گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۷۱۸۷
سه شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۱ ۱۲:۱۳

مصاحبه ای با سازنده ی آفتابِ گرگ و میش؛

بسیاری قول مساعدت دادند ولی عمل نکردند

به مناسبت حضور فیلم سینمایی آفتاب گرگ و میش در هشتمین جشنواره ی بین المللی فیلم شهر و سیزدهمین جشنواره بین المللی فیلم های ورزشی ایران، به گفتگویی با محسن دانشور بیری، کارگردان این اثر در قالب پرسش و پاسخ نشستیم.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، به مناسبت حضور فیلم سینمایی آفتاب گرگ و میش در هشتمین جشنواره ی بین المللی "فیلم شهر" و سیزدهمین جشنواره بین المللی "فیلم های ورزشی ایران"، به گفتگویی با محسن دانشور بیری، کارگردان این اثر در قالب پرسش و پاسخ نشستیم.

چه شد که قصد کردین این فیلم رو بسازید ؟

وقتی صحبت از آفرینش یک اثر هنری می شود عنصر حیاتی که در اذهان شکل می گیرد ضروت باطنی از آفرینش آن اثر است و به تبع تاثیری که از فرجام آن ضرورت از خود بجا می گذارد. این به مثابه ی نیرومحرکه ای است که آفریننده اثر را هوشمندانه به سمت اهدافش سوق می دهد و اگر خلاف آن ثابت شود، نمیتوان راجع به یک اثر هنری که قرار است فراگیر باشد صحبت کرد چون بدون پشتوانه فکری ردپایی از مولف نیست و در ایده آل ترین حالت میتوان آن را یک اثر تاریخ مصرف دار قلمداد کرد. اینجاست که وظیفه ی خطیر هنرمند که رسالتش روشنگری و تعهد به منظور خلق معنای فراگیر است نمود عینی پیدا می کند .

بنده و دوستان همراه با این ذهنیت کار را شروع کردیم و ضرورتی که از آن صحبت شد تلاش برای خلق اثری جهان شمول بود که در کنار آزمون خطای جدی در بستر سینمای بلند، بتوانیم با ظرفیتی که از خود و سایر دوستان سراغ داشتیم اثری تاثیرگذار تولید کنیم .

مبدا این اتفاق پیشنهاد یکی از نویسندگان کار جناب آقای مجتبی رنجبر بود که تاکید داشتند فیلمی با محوریت شعار سال (رونق تولید) تولید کنیم که هم سو با سیاست های متولیان امور فرهنگی و هنری باشد تا بدین طریق بتوانیم سرمایه ای جذب کرده و مسیر را برای ادامه فعالیت حرفه ای خود هموار کنیم.

نتیجه اینکه بعد از حدود ۳ ماه تلاش مداوم توسط نویسنده کار، این مهم میسر نشد و پروژه مدنظر مسکوت ماند .

قرار بر این شد که فیلم را با هزینه شخصی تولید کنیم و سرانجام با مساعدت زنده یاد ایرج جمشیدپور و همراهی خانم لیلا اشرفی اندک سرمایه ای به کار تزریق و کار وارد مرحله پیش تولید شد. متن فیلم توسط جناب ناصریراد دستخوشِ تغییراتی شد و کار با سختی های فراوان به مرحله ضبط و تولید رسید.

چون شرایط تولیدی کار به سمت سینمای مستقل هدایت شد ضرورت ساخت اثر در ابعاد محتوایی و فرمی نیز دستخوش تغییر شد و تلاش کردیم فیلمی تولید کنیم که موضوعش چالش ها و آسیب های اجتماعی روز باشد و به دور از کلیشه های رایج، نگاه متفاوتی به چالش ها و مشکلات زندگی شهری داشته باشیم و جهانی که از فیلم خلق می شود جهانی باشد عاری از شعارزدگی و دروغ و همه موقعیت ها برخاسته از دل جامعه باشد و واقعیات محض زندگی شهری تصویر شود .

از شرایط تولید کار برای ما بگید:

کار رو با هزینه ی بسیار پایین و همت و همدلی عوامل ساختیم، به طوریکه هر کسی در حد و بضاعت خودش بدون چشم داشتِ مادی همراه شد و حاصل همین همدلی و هم افزایی بود که کار بعد از دو سه سال به نتیجه ی مطلوبی رسید و ازین بابت دست تک تک عوامل و بازیگران زحمت کش کار رو به گرمی می فشارم .

سوال بعدی اینه که چرا بعد از دو سه سال فیلم دیده شد؟

زمانی که کارو خروجی گرفتیم و نسخه ی نهایی آماده شد به این علت که عرضه کردن فیلم در سینمای بلند نسبت به سینمای کوتاه فرآیند پیچیده و خاص خودش را دارد و اشراف به این قضیه که بدون پشتوانه جایگاه تهیه کننده(حقیقی و حقوقی) فیلم به سختی عرضه می شود کار را برای یک سری مدعیان دروغین و به اصلاح خودشان صاحب نظر و اهل سینما، فرستادیم که اغلب حاضر به دیدن فیلم نشدند با این منطق که شناختی نسبت به تولیدکنندگان اثر ندارند و به رسمیت نمیشناسند و ... دوستانی هم بودند که بادیدن فیلم فقط تخریب کردند و نظر جمعی بر این بود که این کار شکست خورده است.

همین باعث می شد که عوامل و بازیگران، فیلمی را که با سختی های فراوان ساخته شده است به دست فراموشی بسپارند و دیگر سراغی از کار هم نگیرند و جز عده ای اندک از همراهان دلسوز، بقیه دوستان گرامی از بنده تقاضا می کردند دست از تلاش برای فیلمی که عملا پرونده اش بسته شده است بردارم، البته در این میان تعدادی هم قول مساعدت دادن چه سازمان های حقوقی و چه اشخاص حقیقی و هر کدام سربزنگاه به نوعی نسخه ی فیلم رو پیچیدند، ولی شخصا نا امید نشده و ایمان داشتم که نهایتا کار به سرمنزل مطلوب خودش می رسد.

صحبتی هست که نگفته باشید؟

در اینجا جا داره تقدیر و تشکر ویژه ای کنم از زنده یاد ایرج جمشیدپور که تا آخرین روزهایی که در قید حیات بودند از حمایت بی دریغشان دست نکشیدند، خیلی دوست داشتم بودند و موفقیت های فیلم رو میدیدند، مطلب مهمی که قصد داشتم بهش اشاره کنم این است که هیچوقت ناامید نباشید، استمرار و پشتکار رمزِ موفقیت است، زمانیکه بنده داشتم فرم جشنواره ی شهر رو پُر میکردم ناامیدی تمام وجودم را فرا گرفته بود و با این ذهنیت که ممکن است به فیلم اقبالی نشود فرم جشنواره را در آخرین ساعات مهلت ثبت نام پُر کردم ولی همین فرم پُر کردنِ بنده گواه از نورِ امیدی بود که در دلم روشن شده بود و شخصا به یقین واقفم که همیشه در سیاه ترین و تاریک ترین موقعیت های زندگی که انسان به مرحله استیصال می

رسد، کورسوی نور امیدی وجود دارد که یقینا نشات گرفته از منبع لایزالی است که قدرت ایمان را به تو تفویض کرده و به سمت دروازه های روشنایی هدایت می گرداند. با صراحت اعلام می کنم که فیلم، اثری با ارزش و قابل دفاع است چه از نظر فنی و تکنیکی و چه از نظر محتوا و مضمونی، خوشحالم که بالاخره فیلم روز ۲۷ تیرماه در سینماگالری ملت روی پرده ی نقره ای اکران می شود، سپاس گزارم از شما و همه ی یاوران، همراهان و همدلان عزیز .